

## ظرفیت واحدهای بالادستی صنعت نساجی در ایران صنایع کوچک و متوسط و صنعت نساجی ایران

احسان سلطانی، پژوهشگر\*

مدیر مطالعات راهبردی و توسعه و پژوهش شرکت پلی آکریل ایران  
شرکت تحقیقاتی صنایع نساجی، یزد، ایران

### چکیده

کارآفرینان و صنایع کوچک و متوسط موتور محرکه رشد همه اقتصادها به شمار می‌روند. در ربع قرن اخیر روند توسعه اقتصادی ایران، هر سال نقش صنایع بزرگ وابسته به بخش‌های عمومی و دولتی پررنگ‌تر شده و فضای کسب و کار برای صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی با افزایش هزینه‌های کسب و کار و تشدید تضییقات روی فعالیت آنها تنگ‌تر شده است. رشد صنایع بزرگ که با تکیه بر رانت‌های منابع طبیعی و انرژی ارزان شکل گرفته توأم با کارآمدی و کارآیی اقتصادی و کیفی نبوده است. راهکار اصلی برون‌رفت از رکود اقتصادی کنونی در تسهیل فعالیت و کاهش هزینه‌های کسب و کار صنایع کوچک و متوسط خواهد بود که به‌طور مسلم صنایع نساجی، پوشاک و چرم نیز به عنوان قدیمی‌ترین و مهم‌ترین بخش صنایع کوچک و متوسط از این موضوع مستثنی نخواهد بود.

### مقدمه

کارآفرینان و صنایع کوچک و متوسط موتور محرکه رشد همه اقتصادها به شمار می‌آیند. در ربع قرن اخیر روند توسعه اقتصادی ایران، هر سال نقش صنایع بزرگ وابسته به بخش‌های عمومی و دولتی پررنگ‌تر شده و فضای کسب و کار برای صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی با افزایش هزینه‌های کسب و کار و تشدید تضییقات روی فعالیت آنها تنگ‌تر شده است. رشد صنایع بزرگ که با تکیه بر رانت‌های منابع طبیعی و انرژی ارزان شکل گرفته توأم با کارآمدی و کارآیی اقتصادی و کیفی نبوده است. راهکار اصلی برون‌رفت از رکود اقتصادی کنونی در تسهیل فعالیت و کاهش هزینه‌های کسب و کار صنایع کوچک و متوسط خواهد بود که به‌طور مسلم صنایع نساجی، پوشاک و چرم نیز به عنوان قدیمی‌ترین و مهم‌ترین بخش صنایع کوچک و متوسط از این موضوع مستثنی نخواهد بود.

جوزف شومپتر یکی از سه اقتصاددان نامی جهان

### کلمات کلیدی

صنعت نساجی،  
کارآفرین کوچک،  
کارآفرین متوسط

گفته است، رشد اقتصادی هر کشوری مرهون تلاش کارآفرینان است و غفلت از سرمایه‌های اجتماعی و اتکا به سرمایه و ماشین‌آلات باعث عقب‌ماندگی کشورها از روند رشد و توسعه می‌شود. وی بر این باور بود که ابتکار عمل‌های کارآفرینان زمینه سرمایه‌گذاری‌ها و اشتغال جدید، افزایش تولید و رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد.

از نظر دولت‌مردان کشور تولید خودرو، فولاد، پتروشیمی، سیمان و برق دارای رتبه‌های جهانی است و به همین دلیل آنها را به‌عنوان صنایع برتر نام می‌برند. به‌طور کلی فعالیت صنایع بزرگ ایران از پنج ویژگی کلی و اساسی زیر برخوردار است:

۱- تحت مالکیت، کنترل و حمایت بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی و عمومی هستند و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها (به‌ویژه کاهش نرخ تبدیل ارز مؤثر حقیقی) با عملکرد رانته و غیررقابتهی آنها همخوانی دارد. تراز اقتصادی ملی حاصل از فعالیت اغلب آنها منفی است.

\* مسئول مکاتبات، پیام‌نگار: info@solsite.net

بنابراین دیده می‌شود که همواره بخش مهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در حاشیه سیاست‌گذاری‌های کشور قرار می‌گیرد، آن هم در حالی که بنگاه‌های کوچک و متوسط عهده‌دار بیش از نیمی از اشتغال و تولید ناخالص داخلی جهان هستند و مطالعات جهانی نشان می‌دهد، اقتصادهای پیشرفته‌تر اهمیت و توجه به مراتب بیشتری به آن‌ها مبذول می‌کنند.

طی دوره اقتصاد نفتی (۱۳۹۰-۱۳۶۸)، برپایه گزارش‌های بانک مرکزی، ارزش تولیدات صنعتی ۵/۵۷ برابر و ارزش افزوده (تولید ناخالص داخلی) بخش صنعت ۵/۵۴ برابر شد که در حوال و حوش یکدیگر قرار دارند. در همین دوره، ارزش افزوده بخش‌های صنعتی شامل فلزات اساسی، شیمیایی، ماشین‌آلات (عمدتاً خودروسازی) و کانی غیرفلزی (شامل سیمان) به ترتیب به مقدار ۳، ۱۰، ۹/۳، ۸/۳ و ۵/۹ برابر افزایش یافت که بیشتر از کل صنعت است. صنایع مواد غذایی و محصولات کاغذی به ترتیب با ۴ و ۳ برابر رشد در زیر سطح متوسط رشد صنعت قرار گرفته و صنایع نساجی و چوبی با افت به ترتیب ۹ و ۴۰٪ دچار پس‌رفت شدند [۱۲].

با بررسی داده‌های مرکز آمار ایران در دوره ۱۳۷۳-۱۳۹۰ که شامل تفصیل خردتری از رشد تولید ناخالص داخلی رشته‌های صنعتی کشور است، ملاحظه می‌شود اقتصاد و بخش صنعت به ترتیب ۳/۳۲ و ۳/۲۶ برابر بزرگ شده‌اند. صنایع خودروسازی (با ۱۴/۹ برابر رشد در دوره)، فرآورده‌های پالایشگاهی و نفتی (۶/۶ برابر)، شیمیایی (۴/۴ برابر) و فلزات اساسی (۳/۵ برابر) بالای متوسط رشد کل صنعت قرار گرفته و صنایع محصولات لاستیکی و پلاستیکی (۳/۱ برابر)، کانی غیرفلزی (۲/۹ برابر) و محصولات فلزی (۲/۸ برابر) در فاصله کمی پایین‌تر از متوسط صنعت قرار دارند. صنایع غذایی (۲ برابر)، محصولات چوبی (۱/۴ برابر)، محصولات کاغذی (۱/۲ برابر)، نساجی (۳۰٪ افت) و پوشاک (۷۰٪ افت) از رشد کل اقتصاد و صنعت به‌شدت عقب افتاده‌اند. در سال ۱۳۹۰ صنایع خودرو، شیمیایی، فلزات اساسی، فرآورده‌های نفتی و کانی غیرفلزی به ترتیب ۱۹، ۱۴/۴، ۹، ۸ و ۷/۵٪ از کل ارزش افزوده بخش صنعت را به خود اختصاص داده و سهم سایر بخش‌های صنعتی کشور ۴۲٪ بوده است. همان‌طور دیده می‌شود، روند توسعه صنعتی کشور براساس توسعه صنایع بزرگ شکل گرفته و با وجود اینکه نظر به ماهیت و کارکرد صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی، آنها باید ارزش افزوده بیشتری نسبت به صنایع بزرگ ایجاد کرده باشند، از رشد ارزش افزوده ناچیز یا منفی برخوردار بوده‌اند. در همین دوره به ترتیب اهمیت سه صنعت خودروسازی، شیمیایی و فلزات اساسی عهده‌دار بیش از نیمی از ارزش افزوده صنعتی ایجاد شده‌اند. با حمایت‌های بی‌دریغ دولت‌ها بخش خودروسازی به‌ویژه پس از افزایش درآمدهای نفتی رونق گرفت و با وفور درآمدهای ارزی و مونتاژ قطعات وارداتی به رشد زیادی دست یافت. در حالی که ارزش افزوده تولید شده توسط صنایع خودرو مقدار ۷۵ هزار میلیارد ریال (معادل ۶/۳ میلیارد دلار) در سال ۱۳۹۰ بوده، واردات وسایل و قطعات تخصصی خودرو (با کدهای تعرفه‌ای تخصصی که شامل همه اقلام نیست) بیش از ۵ میلیارد دلار (بسا ۱۱/۶ برابر افزایش طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۹۰) گزارش شده است [۱۳].

توسعه صنایع بزرگ کشور منجر به ایجاد اشتغال صنعتی لازم نشده

۲- الگوهای توسعه آنها بر سه پایه فناوری و قطعات وارداتی سرمایه‌بر، منابع طبیعی ارزان و شرایط رانتی استوار شده است. فعالیت و ادامه حیات آنها بستگی به رانت‌های دولتی، منابع طبیعی و انرژی ارزان و بازارهای داخلی حفاظت شده دارد.

۳- سرمایه‌بر هستند و اشتغال‌زایی زیادی ندارند و ارزش افزوده حقیقی کمی ایجاد می‌کنند. بهره‌وری، کیفیت عملیاتی و خروجی آنها اغلب استانداردهای لازم را ندارد. رتبه‌های جهانی آنها کیفی نیست و کمی هستند. سطح نوآوری و خلاقیت در آنها کم است. با عمق صنعتی کم و عدم ایجاد زنجیرهای صنعتی کارآمد، ارتباط کافی و مؤثری با صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی داخلی ایجاد نکرده‌اند. مصرف انرژی در شاخه‌های صنعت انرژی بر فولاد کشور بین ۳۸٪ تا ۱۸۰٪ از متوسط جهانی بیشتر است [۱۱]. فعالیت اغلب پتروشیمی‌های کشور با تأمین خوراک ارزان قیمت تداوم می‌یابد که اگر به شکل خام فروخته شود، درآمد بیش از فرآوری آن دارد. خودروسازی نیز پس از ربع قرن حمایت بی‌قید و شرط به مونتاژ قطعات وارداتی و خودروهای بی‌کیفیت چینی رسیده است.

۴- با اینکه بیش از ربع قرن است تحت حمایت شدید و بی‌قید و شرط همه دولت‌ها (از پنجم تا کنون) قرار دارند، همواره از دامنه کارآمدی و کارایی آنها کاسته شده است. با این وجود، همچنان در خواست حمایت‌های بیشتر داشته و برای رقابتی شدن منابع و زمان بیشتری می‌خواهند.

۵- ضد توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌های شغلی در کشور عمل کرده‌اند. ارتباط آنها با اقتصاد داخلی در بهره‌برداری رانتی از منابع ملی و بازار بسته داخلی متمرکز شده و فعالیت آن‌ها معمولاً منجر به ایجاد اشتغال مفید در مناطق محروم نشده است. در موارد قابل توجهی خسارت‌های زیست‌محیطی ایجاد کرده و سلامت عمومی را به خطر انداخته‌اند.

عصر صنایع بزرگ (به اصطلاح دودکشی) که یک مرحله پس از خام‌فروشی به‌شمار می‌آید، به سر آمده و اکنون دوران تولید و مشارکت در اقتصاد جهانی با صادرات کالاهای با ارزش افزوده زیاد و متکی به نیروی کار و خلاقه است. با این وجود، اطلاق صنایع برتر از دیدگاه بخش‌های دولتی می‌تواند کاملاً منطقی باشد، حداقل از این جهت که با امکان کنترل تمام شرایط اعم از تأمین مواد اولیه، نحوه کار و بازار فروش، اداره آن‌ها با چالش ویژه‌ای روبه‌رو نبوده و فعالیت آنها نیز تضمین شده است. البته بخش‌ها و بنگاه‌هایی از صنایع نامبرده رقابتی هستند و مدیران دولتی مؤفق نیز وجود دارند، اما در هر صورت ماهیت رانتی و وابستگی دولتی صنایع بزرگ کشور و حمایت بی‌دریغ مسئولان از آنها هیچ‌گاه موجب نخواهد شد تا این صنایع به پویایی و رقابتی شدن فکر کنند.

در اینجا به هیچ‌وجه قصد آن نیست تا اهمیت راهبردی صنایع بزرگ نادیده گرفته شود، بلکه ضمن نیاز به توسعه پایدار و رقابتی آنها، بر لزوم عادلانه‌سازی فضای کسب و کار و تقویت بخش خصوصی واقعی شامل صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی که ایجادکننده اشتغال و ارزش افزوده و دارای توان صادراتی مزیتی هستند (و در سال‌های اخیر به شدت تضعیف شده‌اند)، تأکید می‌شود. بی‌تردید تا زمانی که دولت (و بخش‌های شبه‌دولتی و عمومی) افزون بر اداره امور کشور خود نیز بنگاهداری کنند، رقیب و مانع عمده رشد بخش خصوصی واقعی و کارآفرینان به‌شمار می‌آید.

رقابت پذیری تولید داخلی (تعیین قدرت برابری حقیقی نرخ برابری ریال با ارزشهای جهانی)، تأمین مالی، مالیاتها، اجرای مرحله دوم طرح هدفمندی یارانهها و بسیاری موارد دستوری دیگر حکایت از تداوم روند ضد تولید دولت‌های قبلی اما متأسفانه با شدت و وسعت بیشتر دارد و در این میان صنایع کوچک و متوسط بدون متولی دلسوز و واقعی همچنان به حال خود واگذاشته شده و دولت به افزایش تولید بعضی واحدهای بزرگ صنعتی دل بسته است. متأسفانه دولت‌مردان کشور در هر صورت خصلت دولتی داشته و با دید تک‌بعدی از بالا به پایین، قادر به درک جایگاه و اهمیت صنایع کوچک و متوسط که توسط بخش خصوصی حقیقی اداره می‌شود، نیستند. بنابراین مشکل اصلی در بیش و کم عدم توجه کافی و لازم همه دولت‌ها به این بخش است.

راه واقعی برون‌رفت از رکود نه ایجاد تقاضای کاذب با تزریق نقدینگی رانتهی به بخش متورم مسکن که خود یکی از مسببان رکود تورمی کنونی و نه صرفاً صنایع بزرگ و نه صادرات (با شرایط و ساز و کارهای کنونی) است. چگونه می‌توان در شرایطی که قدرت رقابتی تولید داخلی به علت کاهش نرخ تبدیل ارز مؤثر حقیقی به شدت در مقابل کالای خارجی کاهش یافته، صادرات را بخش پیشران محسوب کنیم. صادرات وقتی پیشران خواهد بود که متکی به نیروی کار و خلاقیت کارآفرینان باشد. صادراتی که بر مبنای مواد خام یا فناوری مواد خام کشور با فناوری دانش داخلی نباشد، چه اثر سازنده‌ای روی زنجیره‌های اقتصادی خواهد داشت. مگر این که همانند دولت‌های پیشین، همچنان مواد خام نفتی را جزء صادرات کالای غیرنفتی محسوب کرده و با تغییر و تحریف تعاریف و واژه‌ها، به رشد صادرات غیرنفتی (که بیش از نیمی از آن نفتی یا نفتی با مقدار فرآوری کم است) مباحثات کنیم.

بخش پیشران حقیقی و واقعی هر اقتصادی نیروی کار و خلاقیت آن اقتصاد و کارآفرینان هستند و صنایع بزرگ نیز در صورت ارتباط تنگاتنگ با صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی که به شکل زنجیره‌های عرضه، شبکه‌های پیمان‌کاری یا خوشه‌های صنعتی تعریف می‌شود، می‌توانند به‌عنوان پشتیبان و مکمل و حلقه اولیه یا نهایی این بخش به‌شمار آیند. سرنوشت و موقعیت صنایع نساجی و پوشاک کشور نیز از شرایط حاکم بر صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی جدا نیست، اما با وسعت، شدت و حدت بیشتر به شرح زیر:

۱- به‌طور کلی این صنعت بیش از سایر صنایع از سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولت‌ها در سه دهه اخیر لطمه و صدمه خورده است، به نحوی که سهم آن از درآمد تولید صنعتی کشور (ارزش افزوده صنعتی) از حدود ۳۰٪ در سه چهارم دهه پیش به ۴٪ در حال حاضر رسیده است [۸].

۲- صنایع نساجی، پوشاک و چرم (شامل کفش) خصوصی‌ترین، غیررانتی‌ترین، رقابتی‌ترین و اشتغال‌زاترین بخش مولد کشور به‌شمار می‌آیند.

۳- تداوم اعمال سیاست‌ها و اقدامات ضد صنایع کوچک و متوسط پایین‌دستی در ۱۳۹۳، از قبیل تخصیص ارز مبادله‌ای برای واردات کالاهای نهایی (پارچه) و از سوی دیگر تأمین مواد اولیه پتروشیمی به

است. با وجود همه سرمایه‌گذاری‌ها صورت گرفته، در شرایطی که در ربع قرن گذشته (۱۳۹۳-۱۳۶۸) ارزش تولیدات صنایع بزرگ کشور بیش از ده برابر (و ارزش افزوده حقیقی بیش از ۵ برابر) رشد داشته، اشتغال آن‌ها فقط ۲۶٪ افزایش یافته است. بنابراین توأم با تضعیف صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی دیده می‌شود با وجود بیش از یک هزار میلیارد دلار درآمدهای نفتی تراز اشتغال کشور صفر بوده و اشتغال صنعتی کشور طی دهه هشتاد کاهش داشته است [۴].

طبق آخرین گزارش‌های رسمی، از ۸۸ هزار واحد صنعتی کشور، ۸۱ هزار واحد آن واحدهای صنعتی کوچک به‌شمار می‌آیند. از ۳۳/۸۴۲ واحد صنعتی به بهره‌برداری رسیده در شهرک‌های صنعتی (اغلب واحدهای کوچک و متوسط)، ۲۷/۶۸۳ واحد (۸۲٪) فعال هستند که در این میان ۹/۷۲۶ واحد با ظرفیت کمتر از ۵۰٪، ۹/۵۹۷ واحد با ظرفیت بین ۵۰ تا ۷۰٪ و ۸/۳۶۰ واحد با ظرفیت بیش از ۷۰٪ فعالیت دارند. به عبارت دیگر، نزدیک به نیمی از آنها تعطیل شده یا نیمه‌تعطیل هستند و فقط کمتر از یک چهارم واحدها در شرایط نسبتاً قابل قبولی (با تولید بیش از ۷۰٪ ظرفیت اسمی) فعالیت دارند [۵].

هم اکنون صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی زیر فشارهای خردکننده ناعادلانه و ضد رقابتی قرار دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: (۱) کاهش مستمر نرخ حقیقی تبدیل ارز و در نتیجه تداوم روند ارز نترشدن کالای وارداتی نسبت به کالای داخلی، (۲) عدم دسترسی و هزینه زیاد تأمین مالی (سرمایه در گردش)، (۳) انتقال فشار بار مالیاتی به صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی، (۴) تسهیل واردات و تمرکز بار وارداتی بر صنایع کوچک و متوسط (سیاست‌های تعرفه‌ای)، (۵) اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بدون حمایت از تولید، (۶) معوقات بانکی و بدهی‌های انباشته ناشی از زیان دهی به علت فعالیت در زیر ظرفیت اقتصادی و (۷) افزایش عمومی هزینه‌های کسب و کار [۶].

عدم تأمین نقدینگی، افزایش هزینه‌ها و بالطبع قیمت تمام شده، فشار واردات با ارز ارزان و شرایط رکودی بازار فروش منجر به کاهش توان تولیدی و ورود صنایع کوچک و متوسط به چرخه منفی اقتصادی کاهنده شده است.

مهم‌ترین راهکار برون‌رفت اقتصاد از رکود تسهیل فعالیت و رفع تضییقات و تحمیلات کنونی روی بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌عنوان نیروی پیشران است تا ضمن باز شدن گلوگاه اقتصاد کشور با ایجاد مشاغل جدید ارزش افزوده مولد و توان مصرف نیز افزایش یابد. در این راستا صنایع کوچک و متوسط از مزایای زیر برای به حرکت درآوردن کل اقتصاد نیز برخوردار هستند:

(۱) سرعت زیاد عملیاتی‌شدن و اثرگذاری مستقیم بنگاه‌های کوچک و متوسط (حلقه‌های نهایی صنعتی) روی صنایع بالادستی و جنبی و بازار مصرف، (۲) توان ایجاد اشتغال زیاد، (۳) کاهش قیمت تمام شده و قیمت فروش با توجه به افزایش تولید، (۴) خروج از چرخه کاهنده و ورود به چرخه فزاینده ارزش و سوددهی، (۵) انتقال سریع منابع دریافتی به بخش‌های دیگر و تحریک آن‌ها، (۶) اثر سریع بر فعال‌شدن دیگر حلقه‌های زنجیر تأمین و (۷) افزایش مستقیم توان مصرف مردم [۷].

در مجموع تاکنون سیاست‌ها و اقدامات دولت یازدهم در زمینه‌های توان

تسهیلات بانکی داشته‌اند، وضعیت صنایع نساجی و پوشاک از همه بدتر بوده است. طبق گزارش‌های مطالعاتی ارائه شده در کنفرانس اقتصاد ایران (دی ۱۳۹۳)، در حالی که بنگاه‌های بزرگ (دهک دهم) ۷۳٪ از تسهیلات کل شرکت‌های بورسی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این شاخص برای ۶۰٪ کوچک‌ترین بنگاه‌ها کمتر از ۸٪ است. از طرفی ضمن این که تأمین مالی حقیقی بخش تولید در سه سال اخیر کاهش یافته، محدودیت‌های مالی خودرو سازی از سایر صنایع کمتر و صنایع نساجی از همه بیشتر بوده است [۱۰].

۷- پیش‌بینی‌های اولیه حاکی از کم و بیش ۱۰٪ کاهش تولیدات نساجی کشور در ماه‌های اخیر است که توأم با بیکاری چند هزار نفر نیروی کار مولد بوده است. اما باید توجه داشت، در صورت رقابتی‌سازی عادلانه فضای کسب و کار و رفع تضییقات و تحمیلات روی تولید، مجموعه صنایع اشتغال‌زای نساجی، پوشاک و کفش (چرم) توان ایجاد صدها هزار شغل مولد را در مدت زمان کوتاهی خواهد داشت. به امید روزی که دولت‌مردان کشور به صرف تکیه بر درآمدهای نفتی و حمایت از صنایع بزرگ شبه‌دولتی و رانتی، راه درست توسعه و نجات کشور را در پشتیبانی از کارآفرینی و رشد بخش خصوصی مولد و تکیه بر خلاقیت و نیروی کار ایرانی ببینند. فردا دیر است.

واحدهای نساجی با نرخ ارز آزاد، ۴- رکود شدید بازار فروش تولیدات نساجی کشور به علت تسهیل و ترویج واردات (اعم از تخصیص ارز ارزان مبادله‌ای یا عقد توافقنامه تجارت ترجیحی) توأم با رکود کلی بازار فروش و کاهش توان مصرف عامه مردم ۵- فشار شدید و سنگین مالیاتی (به‌ویژه مالیات ارزش افزوده) و نیز سهم، هزینه زیاد حق بیمه با توجه به سطح زیاد اشتغال صنایع نساجی و پوشاک نسبت به سایر صنایع [۹].

۶- معضلات تأمین مالی و زیان‌دهی صنایع نساجی و پوشاک. با توجه به شرایط تسویه مطالبات فروش و هزینه‌های آن، سرکوب بهای فروش تولیدات داخلی با واردات منسوجات با نرخ ارز (تثبیت شده اسمی و کاهش یافته موثر حقیقی) و سایر عوامل، عملاً بهای فروش تولیدات نساجی و پوشاک تغییر چندانی پیدا نکرده و بسیاری اقلام حتی کاهش پیدا کرده است. بنابراین در این شرایط که حاشیه سود تولیدکنندگان از بین رفته و از افزایش توری ارزش مواد اولیه و تولیدات خود نیز برخوردار نیستند، پرداخت سود تسهیلات بانکی با نرخ‌های بیش از ۳۰٪ در سال از هیچ‌گونه توجیه اقتصادی و برگشت سرمایه برخوردار نیست. ضمن اینکه صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی کمترین دسترسی را به

## مراجع

۱. آسیب‌شناسی قیمت‌گذاری از منظر قوانین و نهادهای کشور، غنی‌نژاد م، دی ۱۳۹۳.
۲. تحلیل و استنتاج نویسنده براساس داده‌های حساب‌های ملی بانک مرکزی ایران.
۳. تحلیل و استنتاج نویسنده براساس داده‌های سازمان تجارت جهانی.
۴. تحلیل و استنتاج نویسنده براساس داده‌های کارگاه‌های بزرگ کشور، بانک مرکزی ایران.
۵. گزارش مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، اسفند ۱۳۹۳.
۶. هفت عامل سمی برای صنایع کوچک و متوسط، سلطانی ا، روزنامه تعادل، ۱۶ اسفند ۱۳۹۳.
۷. برون‌رفت از رکود با بنگاه‌های کوچک و متوسط، سلطانی ا، روزنامه شرق، ۱ بهمن ۱۳۹۳.
۸. تحلیل و استنتاج نویسنده براساس داده‌های حساب‌های ملی بانک مرکزی ایران.
۹. بار مالیاتی خصوصی‌ها سه برابر دولتی‌ها، سلطانی ا، روزنامه شرق، ۹ بهمن ۱۳۹۳.
۱۰. تنگنای اعتباری از جیره‌بندی تا انجماد، نیلی ف، دی ۱۳۹۳.

# Small and Medium Enterprises and Iran's Textile Industries

Ehsan Soltani

Textile Industries research Company, Yazd, Iran

## Abstract

Entrepreneurs and small and medium enterprises (SMEs) are the engines of growth for developing economies. In the last quarter-century in Iran, the major industries, depending on the public and governmental sectors, have found a prominent role in the process of economic development, and in contrast SMEs in the private sector have faced increasing business cost and tighter restrictions on their activities. The growth of major industries has relied heavily on economic surplus based on natural resource and cheap energy and as a result it has not been efficient and economically effective. The main way out of the current economic downturn is to facilitate business activity and to reduce the business cost for SMEs, which naturally textile, clothing and leather enterprises, as the old and most important industries in Iran, will not be exempted from this.

## Keywords

textile industry,  
small enterprise,  
medium enterprise